

این است ،نقش ماموران از سوی خدا
صد هزاران ، صد هزاران ، صد هزار
دیده اند مردم از این زمین ، در روزگار
مردم رنجه دارند زینجا ، روز و شب
خارج از این تقدیر، نیست هیچ اختیار
خاصان که مامور بودند بر خلق خدا
این ذره افکند، زورگویان آستر سوار
ذره مثقال که بر سر دارد ، تاجی بلند
با قشونی گرد خلاق ، باشد حلقه وار
کثرتی در حبس و خود آزاده است
اینست هیبت مامور و، قهر شهریار
نه زمهریر شناسد ، نه چله از تموز
محبوس کرده جملگی ، در ایام بهار
گفتند تموز آید و ما از گرمای تیرگان
رها گردیم زین غم و اسباب کارزار
لیک وی تسلیم کرده ، هر جا که هست
از غنی، از فقیر، از گلرویان گل عذار
نه از قاضی ترسد، نی از کاخ نشین
این نقش مامور نیست ، نباشد رشوه خوار
معیار دارد در سنجش آزمون های خود
گر خوابند مستان روز، او است هوشیار

آنها که نترسیدند از قاضی روی زمین
حاليا ترسند از او، هم زو، در دیدارها
حال ببین پوچی، آن زورگویان دهر
اینک در کمند این ذره مثقال، بیقرار
کاش زین ناخالصی ها باشد عبرتی
دنیا مکتب انسان است، عبرت بی شمار
آنکه عبرت گیرد از این درسهای عبر
کی هراسان شود، از این تقدیرها
آنکه بیرون شد از حلقه دنیا پرست
ناجی حق نگهدارو، وی را یار غار
این چرخه ایام چه رفاصی ها نکرد
صد هزاران یکشبه گشتند، بر کنار
عبرتی زین فرو ریختن تازه نیست
آمدند و رفتند از کاخ، صدها شهریار
گر کرده ای اشکی پاک از چشم یتیم
مطمئن باشد امروز، نباشی اشکبار
آنکه برای رزق خود، رنجی نبرد
کی میوه توان چینی، از شاخ چنار
صدای بلبل مست بلند در ایام ربیع
در زمستان زمهریر، صامت توی غار
شرح خود پرستان، شرح بلبل است
یکروز مستی، روزی هراسان توی غار
به پول و مقام و مسند، اینقدر غره مشو

چرخه ایام گرد تو میچرخد، دیوانه وار
قبیل آنک ویروس کسی، گورستانی کند
توشه برداریم برای ملاقات پروردگار
عجب باشد ، ویروسی گُشد ما را به قهر
کسی جرئت نی کند، تشیع گر، ما، در قرار
باید زین برکِه تن، جیحون سازی به مهر
تا ببینند سیل خروشان مردم ، گرد یار
محمود گر نیک باشی ، هرگز غم مخور
گرد تو جمع میگردند دوستان، حلقه وار

مورخ 30 تیرماه 1399

محمود صانعی پور